



شماره : 21

نشریه اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
ذکوة

الرابطة الثقافية الإسلامية العالمية

International Islamic Cultural Association

انجمن فرهنگی جهانی اسلامی

فص برای دانشجویان

تاریخ: 2014/10/20

(نبی بر حق)

رسول خدا علیه الصلاة والسلام مانند سایر برادرانشان در نبوت هم در دنیا و هم در آخرت از جانب الله متعال مؤید و منصور بوده اند، هر چند در مسیر دعوت و اصلاح نشیب و فراز بی شماری بود، ولی بالاخره مسلک و آئین نبی بر حق برتری یافته، پیروزی و عزت و رفعت نصیب وی و اصحابش گردیده، و از هر گونه اذیت و گزند دشمنان در امان و حمایت الهی قرار گرفت بر عکس آتش کینه و عداوت مشرکین و یهود و نصاری و منافقین دامنگیر خود آنها شد. در آخرت نیز زمانیکه اولین و آخرین در میدان حشر جمع می شوند، حق تعالی به فضل و کرم خود سرفرازی، عزت و رفعت پیامبر آخرینش و سایر انبیاء علیهم السلام را علی رؤس اشهاد وانمود می فرماید: [إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ] (ما قطعاً پیغمبران خود را و مؤمنان را در زندگی دنیا و در آن روزی که گواهان بها می‌خیزند یاری می‌دهیم و دستگیری می‌کنیم.) غافر - 51

امروز یاوه سرایی دشمنان دین علیه نبی بر حق علیه الصلاة والسلام چیزی جدیدی نیست، بلکه از روزیکه بعثت فرخنده اش آغاز شد کفار و مشرکین بت پرست، ارشاد و تلقین رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم کلمه [لا إله الا الله] را انکار کردند، تا مبدا با چنین اعتراف، معبودان باطل شان نفی گردد، بنابراین با همه اصول صحیح و کامل و پیغام صداقت رسول امین مخالفت نمودند گاهی پیامبر بزرگواری را شاعر و مجنون و گاهی کذاب گفتند. ولی بالاخره خداوند متعال سزای آن گستاخی ها و بی ادبی ها را که به مقام والای نبوت مرتکب شدند، برایشان خواهد داد. خداوند تبارک و تعالی می فرماید: [إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ وَيَقُولُونَ إِنَّا لَنَارِكُوا إِلَهَيْتِنَا لَشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَصَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ إِنَّكُمْ لَذَائِقُو الْعَذَابِ الْأَلِيمِ وَمَا تَجْزُونَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ] ((چرا که) وقتی که بدانان گفته می‌شد : جز خدا معبودی نیست ، بزرگی می‌نمودند (و خویشان را بالاتر از آن می‌دیدند که یکتاپرستی را بپذیرند) . و می‌گفتند : آیا ما برای (سخن) چکامه‌سرای دیوانه‌ای ، معبودهای خویش را رها سازیم ؟ ! (اما او شاعر و مجنون نیست و) بلکه حق را آورده و پیغمبران را تصدیق کرده است . (محتوای دعوت محمد و هماهنگی آن با دعوت انبیاء، دلیل صدق گفتار او است) . شما (ای مشرکان کوردل !) قطعاً عذاب دردناک (الهی) را خواهید چشید . و جز در برابر کارهایی که می‌کرده‌اید کیفر داده نمی‌شوید . (الصافات - 35 - 39

اهل کتاب، نسب، قبیله، مولد، مسکن، شکل، صورت و هر گونه اوصاف و چگونگی های نبی موعود را با یقین کامل و بدون تردد و اشتباه می شناسند، چنانچه پدر و مادر بنا بر مراقبت و مواظبت مستمرشان فرزند خود را بیشتر از دیگران می شناسند. خداوند جل جلاله در این مورد می فرماید: [الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ قَرِيْبًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ] (آنان که بدیشان کتاب (آسمانی) داده ایم، او را (که محمد نام و پیغمبر خاتم است ، خوب) می شناسند ، بدان گونه که پسران خود را می شناسند ، و برخی از آنان بی گمان حق را (از جمله پیغمبری محمد و قبلگی کعبه را) پنهان می دارند ، در حالی که می دانند .) البقره - 146

پس بر اهل کتاب مکشوف است که آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم نبی بر حق است، ولی حسد آنها باعث مخالفت شان می شود: [حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ] (به جهت حسدی که نشئت کرده از نفسهای شان پس از آنکه آشکار شد برایشان حق) البقره - 109
آنها هنگامیکه فضل و انعام الهی را بحضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم می بینند در حسد می سوزند، ولی چون حاسد با خدا داده ستیزه می کند در حقیقت بخودش ضرر می رساند: [أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا] (آیا آنان بر چیزی حسد می برند که خداوند از روی فضل و رحمت خود (با برانگیختن محمد) به مردم (عرب) داده است ؟ ما که به آل ابراهیم (که ابراهیم نیای شما و ایشان است) کتاب (آسمانی) و پیغمبری و پادشاهی عظیمی دادیم . (مانند : سلطنت یوسف در مصر ، و شاهی داود و سلیمان در شام) .) النساء - 54

اما منافقین که تظاهر به اسلام می نمودند ولی در باطن با مشرکین بت پرست و یهود و نصاری هم پیمان بودند، همواره در صدد اذیت رسول خدا می شدند و می گفتند پیغمبر گوش شنونده دارد و اگر فرضاً کسی بدگویی ها و تخریب های مان را برایش برساند، می توانیم با سوگند ها و تأویلات کاذب دعوای برائت کنیم، در حالیکه مقام والای نبوت، صادق را از کاذب باز می شناخت ولی بنا بر خلق عظیم خویش مسامحه می فرمود. ولی این اعمال شنیع ایداء دهندگان منافق از خداوند پنهان نیست، کسانی که رسول خدا را نکوهش نموده و در جناب او سخنان ناشایسته می گویند در دنیا و آخرت ملعون و مردود و در عذاب شدید ذلت آور مبتلا خواهند شد.

الله متعال در این باره می فرماید: [وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أَدْنَىٰ قُلُوبِنَا خَيْرٌ لَّكُمْ يَوْمِنُ بِاللَّهِ وَيَوْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ] (در میان منافقان کسانی هستند که پیغمبر را می آزارند و می گویند : او سراپا گوش است (و راست و دروغ را می شنود و همه چیز را باور می کند) . بگو : (او در نهایت لطف و محبت به سخنان خوب و بد شما گوش فرا می دهد ، ولی به سخن خوب عمل می کند و سخن بد را نادیده می گیرد و بدان عمل نمی کند ، و این) سراپا گوش بودن او به نفع شما است . او به خدا ایمان دارد (و همه فرموده های او را تصدیق می کند) و به مؤمنان ایمان دارد (و هرچه بگویند باور می کند ، چون معتقد به اخلاص ایشان است) و او برای کسانی که از شما که ایمان آورده اند رحمت است (زیرا ایشان را به راستی خداشناسی آورده است و راه بهشت را بدانان نموده است) . کسانی که فرستاده خدا را می آزارند ،

همچنان کسانی که اغراض دنیوی و نفس پرور فساد آلود دارند، حکومت و جامعه ای را می خواهند که در آن همه انواع و اقسام گناه میسر باشد، پس با استدلال های چوبین علیه دین مبین و رحمت عالمین تبلیغات زهرآگین می کنند، در حالیکه هیچگونه ضرری را بر مقام ولای رسول خدا رسانیده نمی توانند، آن برگزیده ای پروردگار کجا و این یاوه سرایان بدکار کجا؟! ، الله متعال مرتبه بلند و مقام محمود را که شفاعت عظمی است برای حبیب خویش عطاء نموده است. رسول خدا به بارگاه الهی شفاعت نموده و مردم از غم و اندوه نجات خواهند یافت و همه توصیف آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم نمایند، الله جل جلاله نیز رسول بر حق را توصیف خواهد فرمود: [وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدُ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا] (در پاسی از شب از خواب برخیز و در آن نماز تهجد بخوان ، این یک فریضه اضافی (و افزون بر نمازهای پنجگانه) برای تو است . باشد که (در پرتو این عمل) خداوند تو را به مقام ستوده ای (و مکان برجسته ای در دنیا و آخرت که موجب ستایش همگان باشد) برساند (و مقام شفاعت کبری را به تو ارمغان دارد) . (الإسراء - 79

پس چنانچه گفته آمد، خساره همه یاوه سرایی های دشمنان اسلام به خود آنها بر می گردد، زیرا الله متعال علاوه از آخرت در دنیا هم پیامبر گرامی اش را عزیز و گرامی داشته است و نام مبارکش را رفعت داده و از هر نوع گزند مخالفین حمایت نموده است، چنانچه می فرماید: [وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ] (و رفعت دادیم ذکر ترا) الانشراح - 4
سعدی رحمه الله گوید:

ندانم کدامین سخن گویمت که والاتری ز آنچه من گویمت

در وقت اذان و اقامت و خطبه و کلمه شهادت، بعد از ذکر الله، نام گرامی آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم جایگاه عالی و زیبایی را حایز می باشد. در عصر حاضر توسط دستگاه های رادیویی و شبکه های تلویزیونی و سایر انواع نشرات، اسم رفیع نبوت توأم با خلوص و محبت و احترام و عزت چنان بکثرت انتشار می یابد که حتی غیر مسلمانان به دین محمدی سر احترام و خضوع فرو می آرند و هر گونه ممانعت و تخریب بی اثر می باشد. پروردگار عالمیان وعده نموده است که برای رسولش چندان نعمت و دولت ارزانی می فرماید که کاملاً خشنود و راضی و مطمئن می گردد: [وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ] (و پروردگارت به تو (بهروزی و پیروزی و نعمت و قدرت) عطاء خواهد کرد ، و تو خوشنود خواهی شد . (الضحی - 5

چنانچه در آغاز تذکر یافت بدگویی های دیوانه وار دشمنان علیه آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم چیزی جدید نیست، بلکه از سر آغاز بعثت نبوی علیه الصلاة و السلام، یاوه سرایی ها و اذیت ها بوده است، ولی با وجود آن همه تخریب های بی مورد، امروز مشاهده می شود که اسلام از کران تا به کران گیتی انتشار یافته است، علت این همه موفقیت ها همانا حمایت الهی می باشد. برخی کفار می گفتند که چون رسول خدا پسر ندارد، لذا پس از رحلت ایشان کسی نیست که نامی از او ببرد، در حالیکه حضرت الهی جل جلاله برای نبی بر حقش خیر کثیر ارزانی فرموده و نام و شریعت او را اِلٰی الْاَبَدِ ماندار داشت. آل جسمانی دختری آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم نیز در

دنيا باقى است، در حقيقت كسانيكه بنا بر بغض و عناد و عداوت راه متعالى توحيد را ترك كردند (ابتر) هستند زيرا هيچ گونه ذكر خير و آثار نيكو از آنها بجا نماند. نبى بر حق مزيد بر درجات عاليه در اين جهان، در آخرت نيز به مقام محمود نايل مى گردد.

الله متعال در مقام دفاع از رسول بر حق مى فرمايد: [إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوفِرَ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ] (ما به تو خير و خوبي بي نهايت فراواني را عطاء کرده ايم) كه نبوت و دين حق و هدايت ، و هر آن چيزي است كه سعادت دو جهان را به همراه دارد) . حال كه چنين است تنها براي پروردگار خود نماز بخوان و قرباني بكن. بدون شك ، دشمن كينه توز تو بي خير و برکت و بي نام و نشان خواهد بود .

الكوثر - 1 - 2 - 3
 در آغاز بعثت، دعوت در مکه بطور مخفی و پنهانی بود، سپس امر الهی به آشکار کردن تبليغ آمد و حمايت پيامبر از گزند مشرکين ضمانت شد. الله سبحانه و تعالى فرمود: [فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ] (پس آشکارا بيان كن آنچه را كه بدان فرمان داده مي شوي) كه دعوت حق است) و به مشرکان اعتناء مكن (كه چه مي گويند و چه مي كنند) . ما تو را از (كيد و مكر و اذيت و آزار) استهزاء كنندگان مصون و محفوظ مي داريم . آن استهزاء كنندگاني كه معبود ديگري را همراه خدا قرار مي دهند (و بتان را با خدا مي پرستند . آنان به زودي نتيجه شرك خود را) خواهند دانست (آن گاه كه عذاب دردناك دوزخ ايشان را در بر خواهد گرفت .)) الحجر - 94 - 96

رسول خدا و شريعت غراي وي هم در زندگانی دنيوی و هم پس از رحلت از هر گونه گزند و مكر دشمنان محفوظ است، آنها با وجوديكه در ابطال دين به شبهات تقرير مي كنند ولي از دعوت نبی بر حق جلوگيري نتوانستند، و نتوانستند مردم را از ايمان آوردن به دين محمدي ممانعت كنند و قادر نشدند كه اسلام را محاصره نموده تا محدود و منحصر به عرب ماند، بلكه از مشرق تا مغرب امتداد يافته است. در مقابل نور اسلام ياهه سرايي هاي بيهوده مشرکان از هيچگونه فروغی برخوردار نيست، بلكه نور توحيد بيشتر از پيشتر مي درخشد، و بطور روز افزون بر همه ديانات و افكار و فلسفه ها چيره مي شود : [يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ] (آنان مي خواهند نور خدا را با (گمانهاي باطل و سخنان نارواي) دهان خود خاموش گردانند) و از گسترش اين نور كه اسلام است جلوگيري كنند) ولي خداوند جز اين نمي خواهد كه نور خود را به كمال رساند (و پيوسته با پيروي اين آئين ، آن را گسترده تر گرداند) هرچند كه كافران دوست نداشته باشند . خدا است كه پيغمبر خود (محمد) را همراه با هدايت و دين راستين (به ميان مردم) روانه کرده است تا

این آئین (کامل و شامل) را بر همه آئینها پیروز گرداند (و به منصف ظهورش رساند) هرچند که مشرکان نپسندند . (التوبة - 32 - 33

رسول خدا را امداد و حمایت خدای غالب انتقام گیرنده کفایت می کند، پس هراس از هیچ قدرتی جز الله در کار نیست، زیرا غیرت الهی مقتضی آنست که انتقام پیامبر بر حق را از هر معاندی که بنا بر انهماک و شهوات نفسانی خویش دین حق را رد می کند، گرفته، و توطئه های دشمنان حق را نقش بر آب می سازد. خداوند جل جلاله فرمود: [أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ وَيُخَوِّفُونَكَ يَا الَّذِينَ مِن دُونِهِ وَمَن يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن هَادٍ وَمَن يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن مُّضِلٍّ أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِي انْتِقَامٍ] (آیا خداوند برای (حفاظت و حمایت از) بنده اش کافی نیست ؟ آنان تو را از کسانی جز خدا می ترسانند . (مگر بتها و معبودهای دروغین و عداوت کافران و دشمنان و طوفان حوادث زمان ، می توانند کمترین زبانی به کسی برسانند که خدا پشتیبان او است ؟) . هر کس را خدا گمراه کند ، راهنما و رهبری نخواهد داشت . و هر کس را خدا رهنمود کند ، هیچ گمراه کننده ای نخواهد داشت . مگر خدا چیره انتقام گیرنده نیست ؟ (پس ای مؤمنان ! تکیه بر لطف خدا کنید و از انبوه دشمنان نهراسید و از کمی همراهان باک مدارید) . (الزمر - 36 - 37

الله متعال پیامبر گرامی را امر به تبلیغ دین نمود و عزت و عصمت و آبروی وی را از شر دشمنان کفالت فرمود: [يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِن كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِن كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ] (ای مؤمنان !

هنگامی که برای نماز بپا خاستید (و وضو نداشتید) ، صورتها و دستهای خود را همراه با آرنجها بشوئید ، و سرهای خود (همه یا قسمتی از آنها) را مسح کنید ، و پاهای خود را همراه با قوزکهای آنها بشوئید . و اگر جنب بودید (و خواستید نماز بخوانید ، همه بدن) خود را بشوئید . و اگر بیمار بودید (و بیماری مانع از استعمال آب بود) یا این که مسافر باشید (و یافتن آب برایتان دشوار بود) یا این که یکی از شما از پیشاب برگشت ، یا با زنان مجامعه کردید ، و (در همه این صورتها ، آب برای غسل یا وضو) نیافتید ، با خاک پاک تیمم کنید ، (بدین شکل که دو بار کف دست بر خاک زده و) با آن بر صورتها و دستهای خود (تا مچ یا آرنج) بکشید . خداوند نمی خواهد شما را به تنگ آورد و به مشقت اندازد ، و بلکه می خواهد شما را (از حیث ظاهر و باطن) پاکیزه دارد و (با بیان احکام

اسلامی (نعمت خود را بر شما تمام نماید ، شاید که شکر (انعام و الطاف) او را (با دوام بر طاعت و عبادت) به جای آورید .) المائده - 6

وعدۀ خداوند تبارک و تعالی تحقق پذیرفت، بالاخره اسلام کامیاب شد و دشمنان شکست خوردند، و ذکر و نام رسول صلی الله علیه و آله و سلم شهرۀ آفاق یافت : [وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ] (و شای تو را بلند ساختیم). الشرح - 4

اگر سری به تاریخ اهل کتاب بزنیم، به سهولت در میابیم که آنها به اذیت نمودن پیامبران عادت کرده اند ولی چون انبیاء علیهم السلام نزد خداوند دارای عزت و وجاهت زیاد اند، خاطر نشان می شود که هیچ نقص و گزندی به رسول خدا وارد نمی گردد آنها موسی علیه السلام را رنجانیدند، مگر الله تعالی همه توطئه ها را باطل گردانید: [يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَىٰ قَبْرَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِندَ اللَّهِ وَجِيهًا] (ای مؤمنان ! همانند کسانی نباشید که (با گفتن سخنان ناروا) موسی را آزار رساندند (و رنجیده و آزرده کردند) و خدا او را از آنچه می گفتند تبرئه کرد ، و او در پیشگاه خدا گرانقدر و صاحب منزلت بود .) سورة احزاب - 69

چنانچه گفته آمد افزون بر موسی علیه السلام سایر فرستاده های خداوند را اذیت نموده برخی را تکذیب و بعضی را به قتل رسانیدند. [وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَقَرِيقًا تَقْتُلُونَ] ((ای گروه یهودیان ! به یاد بیاورید آن گاه را که) ما به موسی کتاب (تورات) دادیم و در پی وی پیغمبرانی فرستادیم ، و (از جمله آنان) به عیسی پسر مریم معجزه ها و دلائل روشن بخشیدیم و او را به وسیله روح القدس (که جبرئیل است) تأیید نمودیم و نیرویش دادیم . آیا (جز این است که) هر زمان پیغمبری (از اینان) برخلاف میل و آرزوی نفس شما چیزی را آورد ، گردن افراختید (و خود را بزرگتر از آن دانستید که از او پیروی کنید ، و به این هم بسنده نکردید) بلکه عده ای را تکذیب نمودید و دروغگو خواندید ، و جمعی را کشتید .) البقره - 87

بنابر همین عادت سیئه، در صدد ایزای پیامبر آخرین حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم نیز بودند ولی خداوند قدیر پیامبر گرامی اش را از شر آنها حفاظت و حمایت کرد. **در کیش نصاری تجسم خدا به صورت انسان (incarnation) از تحریف های بزرگ توحید به شمار می رود، که مکتب اسلام مخالف جدی و شدید آن، و انواع گوناگون مذهب تشبیه (anthropomorphism) می باشد.**

حضرت مسیح علیه السلام آشکارا مردم را به ربوبیت رب العالمین و ربوبیت خودش فرا می خواند، ولی نصاری بر خلاف تصریحات وی به خداوند شرک ورزیده حضرت مسیح را خدا قرار دادند: [لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ] (بیگمان کسانی کافرند که می گویند : (خدا در عیسی حلول کرده است و) خدا همان مسیح پسر مریم است .) (در صورتی که خود) عیسی گفته است : ای بنی اسرائیل ! خدای یگانه ای را بپرستید که پروردگار من و پروردگار شما است . بیگمان هر کس انبازی برای خدا قرار دهد ، خدا بهشت را بر او حرام کرده است (و هرگز

به بهشت گام نمی‌نهد) و جایگاه او آتش (دوزخ) است. و ستمکاران یار و یاور دارند (تا ایشان را از عذاب جهنم برهاند). (المائده - 72)

این غلو ایدای بزرگ به حضرت مسیح و آئین وی محسوب می‌گردد. چنانچه در گذشته بیان شد، از قبايح يهود، اهانت و تكذيب و قتل انبياء عليهم السلام بود، بر خلاف آنها نصاری در تعظیم عیسی چندان غلو کردند که گفتند خدا در پیکر مسیح حلول کرده است، و خدا جز مسیح چیزی دیگری نیست. (العیاذ بالله) خداوند تبارک و تعالی درباره این نوع کفر صریح چنین می‌فرماید: [لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ] (به طور

مسلم، کسانی که می‌گویند: خدا، مسیح پسر مریم است! کافرند. بگو: اگر خداوند بخواهد مسیح پسر مریم و مادر او و همه کسانی را که در روی زمین هستند هلاک کند، چه کسی می‌تواند (کوچکترین) کاری بکند (و جلو دست خدا را بگیرد)؟ از آن خدا است آنچه در آسمانها و زمین و

آنچه میان آن دو است. هر چه بخواهد می‌آفریند؛ و خدا بر هر چیزی توانا است. (المائده - 17) بنابراین از موقف شنیع یهود و نصاری و مشرکین در مورد پیامبر آخر زمان نباید تعجب نمود، بلکه علاج این همه اذیت‌ها و مخالفت‌های تحریف‌آمیز، مقاومت ورزیدن با استقامت و تقوی و صبر است، که همه نسل‌های همه عصر‌های امت به این صفات دفاعیه آراسته باشند [لَتُبْلَوْنَ فِي أَمْوَالِكُمْ

وَأَنْفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ آتَوْا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا وَإِنْ تَصِيرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ] (به طور مسلم از لحاظ مال و جان خود مورد آزمایش قرار می‌گیرید و حتماً از کسانی که پیش از شما بدیشان کتاب داده شده است، و از کسانی که کفر ورزیده‌اند، اذیت و آزار فراوانی می‌بینید) و اعمال ناشایستی و سخنان نابایستی می‌شنوید) و اگر (در برابر آزمایش مالی و جانی) بردباری کنید و (از آنچه باید پرهیز کرد) پرهیزید، (کارهای شایسته همین است) و این

اموری است که باید بر انجام آنها عزم را جزم کرد و در اجرای آنها کوشید. (آل عمران - 186) اینکه مسلمانان بایست به نصرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بپردازند برای مصلحت و ثواب خود آنها است، ورنه کامیابی رسول خدا موقوف به مدد و کمک بندگان نیست، و تنها ذات الله جل جلاله برای نصرت فرستاده اش کافاست، زمانیکه رسول خدا جز یک رفیق (یار غار) همراه دیگری نداشت و دشمنان قایف (پی شناس) ماهری را به جستجوی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ابوبکر رضی الله عنه گماشتند، خدای توانا و قدیر به حمایت فرستاده اش پرداخت و با تأیید غیبی نبی بر حق را از شر کفار نجات داد: [إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيًا إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ] (اگر پیغمبر را یاری نکنید (خدا او را یاری

می‌کند ، همان گونه که قبلاً) خدا او را یاری کرد ، بدان گاه که کافران او را (از مگه) بیرون کردند ، در حالی که (دو نفر بیشتر نبودند و) او دومین نفر بود (و تنها يك نفر به همراه داشت که رفیق دلسوزش ابوبکر بود) . هنگامی که آن دو در غار (ثور جای گزیدند و در آن سه روز ماندگار) شدند (ابوبکر نگران شد که از سوی قریشیان به جان پیغمبر گزندی رسد ،) در این هنگام پیغمبر خطاب به رفیقش گفت : غم مخور که خدا با ما است (و ما را حفظ می‌نماید و کمک می‌کند و از دست قریشیان می‌رهاند و به عزت و شوکت می‌رساند . در این وقت بود که) خداوند آرامش خود را بهره او ساخت (و ابوبکر از این پرتو الطاف ، آرام گرفت) و پیغمبر را با سپاهیانی (از فرشتگان در همان زمان و همچنین بعدها در جنگ بدر و حنین) یاری داد که شما آنان را نمی‌دیدید ، و سرانجام سخن کافران را فروکشید (و شوکت و آئین آنان را از هم گسیخت) و سخن الهی پیوسته بالا بوده است (و نور توحید بر ظلمت کفر چیره شده است و مکتب آسمانی ، مکتبهای زمینی را از میان برده است) و خدا با عزت است (و هرکاری را می‌تواند بکند و) حکیم است (و کارها را بجا و از روی حکمت انجام می‌دهد) . (التوبة - 40



حَدِيثُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ